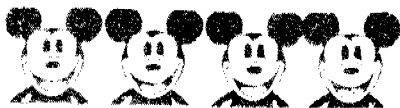


اولین بخش از گفتگو با چهارتن از انیماتورها با عنوان « این تمام انیمیشن نیست، در شماره قبل مجله به چاپ رسید، بخش دوم و پایانی این گفتگو در این شماره تقدیم خوانندگان می‌شود.



علی‌مراد: نویسنده‌گی به صورت شورایی است. اگر کارهای بزرگ دنیا را ببینید، در تیتراژ فیلم‌ها، ۶ تا ۸ اسم تحت عنوان نویسنده می‌آید. آنها با هم آنقدر مشورت و نظریاتشان را رد و بدل می‌کنند تا موضوع کاملاً پرورش پیدا کند.

نیرومند: می‌خواستم سؤالی بکنم که شاید قبلاً هم شده باشد، اینکه موضوع «کوه جواهر» یا «قصه‌های بازار» را چگونه پیدا کردید؟

علی‌مراد: «داستان طوطی و بقال» که از مولوی است، به شکل‌های گوناگونی در کتاب‌های بچه‌ها روایت شده است. حتی صبحی هم این قصه را تعریف کرده است. ما احساس کردیم که این داستان هم برای فیلم عروسکی و هم برای انیمیشن مناسب است.

نیرومند: این مناسب‌ترین که می‌گویید یعنی چه؟ چه ویژگی‌هایی در یک متن آن را برای فیلم‌سازی انیمیشن مناسب می‌کند؟

علی‌مراد: در آغاز احساس کردم که جاذبه دارد. عربی‌اش: جاذبه یعنی اینکه فیلم‌ساز باید



پاییز گسلاان / ۲ برای کودکان انیمیشن



انیمیشن بداند، سینما بداند و حس و حال را بشناسد و به داد و ستدهای معنایی که باید در فیلم‌میان ببینند و سازنده رخ بدهد، عالم باشد. این مجموعه شرایطی است که فردی مانند آقای علیمراد آن‌ها را دارد.

نیرومند: این ویژگی‌هایی که شما در داستان «کوه جواهر» دیدید، چه بود؟ یعنی تخیل و وقایع غیر معمول بود، چیزهایی که اگر بچه‌ها خواستند شروع کنند، آن را بشناسند. چون متاسفانه الان تلویزیون

ما تصور مردم را درباره سینمای انیمیشن خراب کرده است. به طور مثال، سینمای انیمیشن را «بابا لنگ‌دراز» تصور می‌کنند. داستان «بابا لنگ‌دراز» را در سینمای رئال هم می‌توان کار کرد. شاید بهتر هم جواب بدهد.

علیمراد: خیال‌پردازی در داستانی که شما گفتید، باید یک زمینه واقعی نیز داشته باشد. مثلاً ما کوهی نداریم که بالای آن پر از جواهر باشد، ولی می‌توانیم بپذیریم که چنین کوهی می‌تواند وجود داشته باشد.

این تخیلی است که زمینه‌اش یک چیز واقعی و قابل قبول است، تخیل قابل باور. ما شنیده‌ایم که یک عقاب انسانی را بلند کند و بالای توه ببرد، ولی شنیده‌ایم که خرگوشی را بلند کند و حتی شنیدیم که بچه را برده است.

عابدی: در مورد اینکه اصولاً در سینمای انیمیشن چه ویژگی‌هایی باید وجود داشته باشد، بطور کلی باید بگویم ما جمله معروفی داریم که می‌گوید: «سینمای انیمیشن از جایی شروع می‌شود که سینمای زنده متوقف می‌شود.» یعنی چیزی که در سینمای زنده نتواند به تصویر دربیاید. فکر می‌کنم



که این جمله بخوبی قابل درک است. در ارتباط با مسائل تئوریک نباید گفت ما سینمایی را سینمای انیمیشن می‌دانیم که از چند ویژگی برخوردار باشد که مهم‌ترین آن «تخیل» است یعنی پرهیز و دوری کردن از آنچه که در عالم واقع اتفاق می‌افتد. البته اینکه من می‌گویم در ارتباط با انیمیشن ناب مطرح است. یعنی درباره فیلم‌هایی است که جشنواره‌های و جشنواره‌پسند است. چرا که این ویژگی شاید در مورد داستانی مانند «بابالنگ‌دراز» اصلاً صادق نباشد. و ویژگی دیگری که بسیار مهم است مبالغه کردن است که اگر فیلمی دارای این ویژگی باشد، فیلم موفق می‌شود. ویژگی دیگر ایجاز است. یعنی ما در سینمای انیمیشن پرگویی نداریم و حتی گاه کلام به آن معنا نداریم. هر آنچه هست، تصویر است آنهم در نهایت خلاصه‌گویی.

در مورد فیلمی مانند «فوتالیست‌ها» که این همه محبوبیت پیدا کرد، باید گفت که چندان از ویژگی‌های یاد شده بجز در پاره‌ای از قسمت‌ها برخوردار نبود. به همین دلیل این نوع فیلم‌ها از نوع فیلم‌های انیمیشن ناب نیستند، بلکه باید به آنها عنوان «تصویرهای متحرک» داد. البته این حرف به این معنی نیست که سینمای انیمیشن از آن دسته فیلم‌هایی که باعث تفریح برای کودکان است، منع می‌شود. به هیچ‌وجه اینگونه نیست. یکی از کاربردهای انیمیشن تامین سرگرمی است. با این حساب، ما می‌توانیم فیلم انیمیشن سرگرم‌کننده و مفرح هم بسازیم. اما اینکه حالا در درون آن مسائل سرگرمی چه چیزی را مطرح کنیم، بحث دیگری است.

نیرومند: در ابتدای صحبت‌های آقای عابدی، به نظر آمد که سینمای مورد بحث ایشان سینمایی است که با کودکان نمی‌تواند زیاد ارتباط برقرار کند. برای اثبات این ادعا باید به تولید فیلم‌های کانون اشاره کرد که بیشتر بزرگسالان از آن استفاده می‌کنند. آیا ما اصلاً سینمای انیمیشن بزرگسال داریم؟ پس چرا تولیدهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قبل از این که کودکان را راضی کند، بزرگترها را راضی می‌کنند؟ البته من اشراف کامل ندارم و تنها با توجه به تولیدهای کانون این سوال را مطرح می‌کنم.

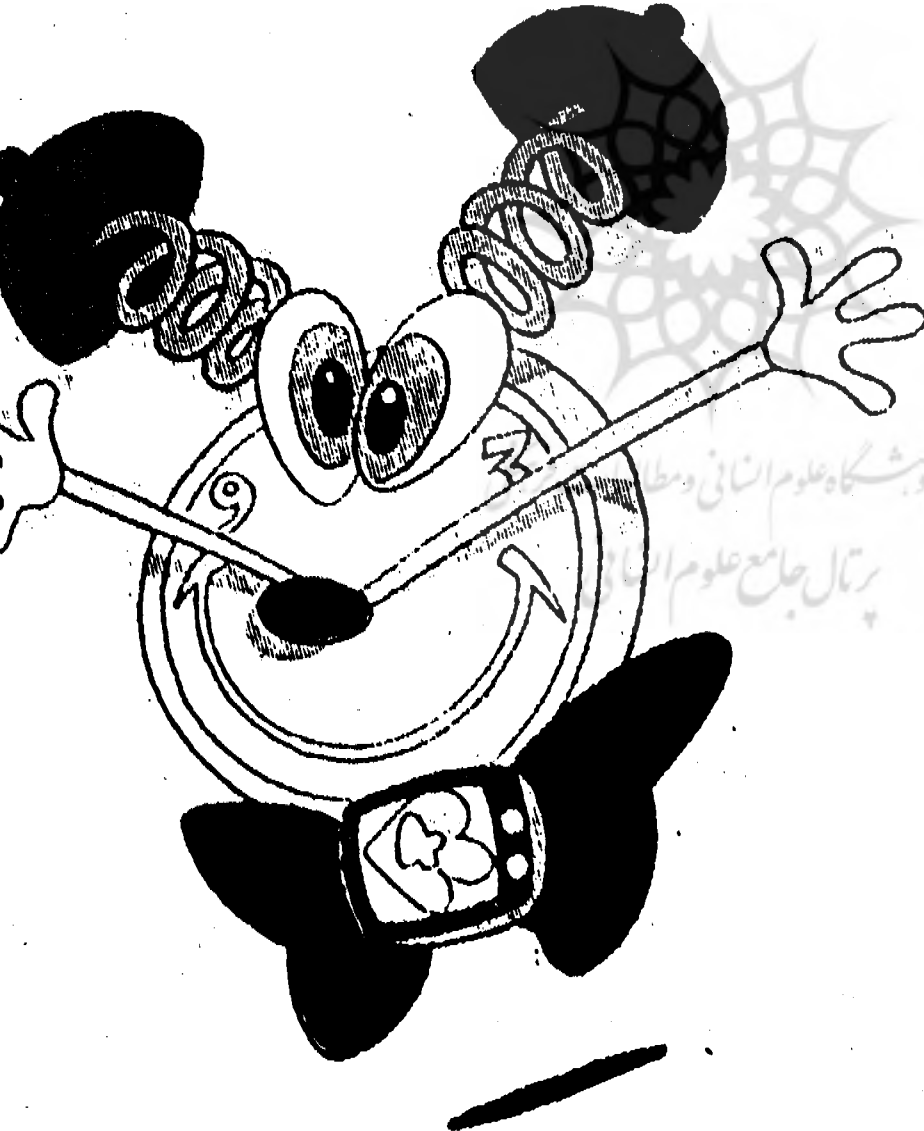
عابدی: بحثی که من باز کردم، به هیچ‌وجه آن چیزی که شما تعبیر کردید، نبود. ایجاد تخیل و مبالغه داشتن و ایجاز هیچ‌یک ویژگی‌هایی نیست که شما با استفاده از آنها نتوانید برای کودکان فیلم بسازید.

نیرومند: حاصل این نوع نگاه بیشتر برای بزرگسالان است.

عابدی: من اگر یک مثال بزنم حرف‌هایم روشن می‌شود. مثلاً در فیلم‌هایی که تلویزیون پخش کرده، «پلنگ صورتی» به آنچه که من گفتم نزدیک‌تر است و کودکان آن را دوست دارند. شما تصور نکنید ویژگی‌هایی که گفتم تنها در مکتب زاگرب دیده می‌شود.

نیرومند: خوب این اصول فنی در کانون بوده، ولی از تولیدهای آنجا بیشتر بزرگسالان استفاده می‌کردند تا کودکان.

عابدی: عرض به حضورتان که این بر می‌گردد به آن مسئله کلی که همه چیز خودجوش به وجود آمد. همانگونه که درباره شکل‌گیری بخش سینمای انیمیشن در کانون در قبل از انقلاب گفتم، عمدتاً افرادی که می‌آمدند تقریباً ناراضیانی بودند که





از لحاظ سیاسی با بیان مطالبی در این قالب می‌خواستند که حرکتی کرده باشند، یعنی تکنیک انیمیشن را بهانه قرار می‌دادند و با تبحری که در حد بضاعتشان داشتند، فیلم‌هایی را می‌ساختند، مثل اینکه شهری را گفته، و یا قطعه‌ای را نوشته باشند. تا آنجایی که برداشت من است و من شاهد آن بودم، مسئله این گونه بود. به همین دلیل، برای آنها مهم نبود که این حرف‌ها را برای کودکان می‌خوانند بگویند یا برای بزرگسالان. از سوی دیگر، انیمیشن قبل از انقلاب، مانند نوزادی بود که تازه به دنیا آمده بود و ما می‌خواستیم مثل همه نوزادها راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن را یادش بدهیم. طبیعی بود پس از آنکه رشد می‌کرد می‌توانست مسیرهای درخش را انتخاب کند.

انیمیشن ما پیش از انقلاب چنین حالتی داشت. پس از انقلاب هم به همین صورت به دلیل مسائل مختلف متأسفانه رشد این نوزاد متوقف شد و این کودک در جا زد. الان تقریباً یک چهار سالی است که به این کودک از لحاظ تغذیه و بهداشت رسیدگی شده و دارد کمی رشد می‌کند. من فکر می‌کنم هنوز هم به آن درجه از استعداد و زمینه نرسیده که ما به طور عمده بگوییم که حالا این فیلم سازان بروند برای کودکان فیلم بسازند و یا با این کمبودی که در زمینه سناریو و سوزه که داریم، بعضی بروند برای بخش کودکان و بخشی دیگری بروند برای نوجوانان و بقیه هم بروند برای بزرگسالان فیلم بسازند. ببینید، آقای علیمراد دوست دارد که فیلم بسازد و چون با قانون مرتبط است پس از میان ۱۰۰ داستان، «کوه جواهر» را پیدا می‌کند. یعنی ما آنقدر امکانات و سوزه نداریم که بگوییم حالا اینها مناسب کودکان یا مناسب مرحله پیش از دبستان است یا گروه فلان است. می‌دانیم، به این دلیل ناچار همه چیز با هم جلو آمده است، انیماتورش به همین صورت و کارگردانش نیز به همین صورت. امیدواریم از این پس آنقدر نیروی تربیت شده داشته باشیم که آنها بتوانند انتخاب بکنند که برای کودکان فیلم بسازند یا برای نوجوانان.

خانم قرایی: من فکر می‌کنم باید ببینیم درباره کدام بچه‌ها صحبت می‌کنیم، بچه‌هایی که الان بد عادت شده و ذهنشان آلوده شده است. آنها آنقدر فیلم‌های ژاپنی که از لحاظ هنری بیاری ندارند، می‌بینند که اصلاً تحمل دیدن فیلمی که از این نظرها متفاوت باشد را ندارند. ولی کارهای کانون ممکن است تاثیر آنی نداشته باشد، ولی تاثیرهای درازمدت دارد. ممکن است الان واکنشی نشان داده نشود، ولی در ذهن می‌ماند و پس از سالیان سال تاثیراتی را به وجود می‌آورد. فکر می‌کنم که بچه‌ها الان در مرحله‌ای هستند که نمی‌شود روی نظر آنها داوری درستی کرد، چون دوست دارند که مطلب ساده‌ای به آنها گفته شود و در فیلم هم به آن مستقیماً اشاره شود که موضوع چیست و فیلم چه هدفی دارد و همانجا فیلم تمام شود و برود. ولی اگر فیلم کمی پیچیده باشد، یا حرفی برای گفتن داشته باشد، آنها اصلاً تحملش را ندارند.

علیمراد: این به دلیل ارائه فیلم‌های دست سوم خارجی است که به خورد بچه‌ها داده‌اند. نیرومند: خوب، این بحث خوبی است بهتر است، آن را دنبال کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

علیمراد: درباره اینکه چرا فیلم‌های انیمیشن برای بزرگسال‌هاست، یک مطلبی را بگویم. معمولاً در میان کارگردان‌ها و فیلم‌سازها یک نوع محتواگرایی هست و آنها دوست دارند که فیلمشان دارای محتوا باشد. به همین دلیل به نظر می‌رسد آنها به طرف موضوع‌هایی که به درد بزرگسال‌ها می‌خورد، گرایش دارند. الان اگر آرشيو کانون را ببینید، آن خانه‌هایی که مربوط به گروه‌های سنی پایین است، خالی است و در این خانه‌ها هرچه به طرف گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، پرتر می‌شود.

خانم تراسی: کارگردان‌ها بیشتر می‌خواهند بزرگترها را راضی کنند، خوب در جشنواره‌ها توجه به این جور مسائل بیشتر است.

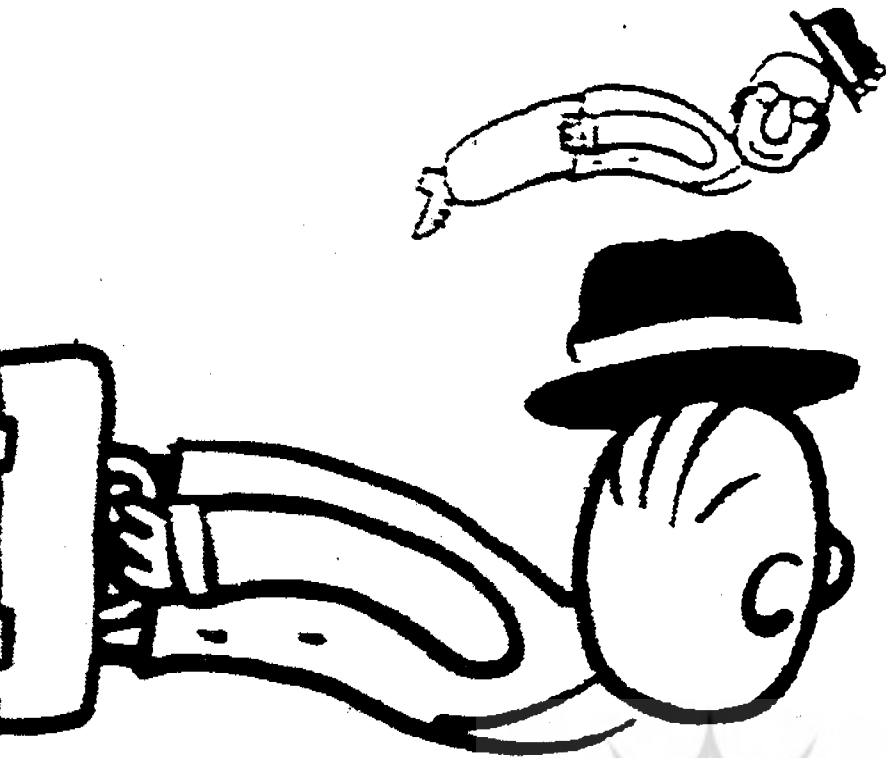
عربانی: گاهی در جشنواره‌های کودکان، شنیده شده است که والدین به بچه‌های خود گفته‌اند شما حالا بروید تو حیاط تا ما این فیلم را نگاه کنیم. چون بچه‌ها حوصله تماشای آن برنامه را نداشتند.

عابدی: در مورد صحبت آقای عربانی که ماجرا را از پیش از انقلاب شرح دادند و دلایل شکل‌گیری و ساخت فیلم‌های انیمیشن آن دوران را توضیح دادند، من دیگر اشاره‌ای نمی‌کنم و لسی اگر دقت کرده باشید، این اتفاق کمتر افتاد. یکی از علت‌هایی که شمای نوعی به این نتیجه رسیده‌اید که فیلم‌های کانون به طور عمده جشنواره‌ای است، به جهت اختلافاتی بود که سالیان گذشته میان تلویزیون (که محل عرضه فیلم‌های کودکان است) و کانون وجود داشت.

بنابراین، چون مردم این فیلم‌ها را نمی‌دیدند یا خیر نداشتند، پس می‌گفتند کانون یا فیلم نمی‌سازد یا اگر هم می‌سازد، جشنواره‌ای است. اما زمانی این قضیه روشن می‌شود که پس از انقلاب و حداقل در ۵-۶ سال اخیر می‌بینیم که فیلم‌های کانون به درد کودکان می‌خورد و کودکان هم بسیار از آنها لذت می‌برند.

پس زمانی می‌شود داوری کرد که این فیلم‌ها از تلویزیون بخش شود. خوشبختانه، به تازگی این ارتباط شروع شده و خبر دست‌اولی هم که دارم این است که کانون قرار است هفته‌ای نیم ساعت در تلویزیون برنامه داشته باشد، مثل آموزش و پرورش و برنامه معلم. اما آن مسئله که می‌گویم یک برنامه ویژه است و یک مجری از کانون دارد و برنامه‌هایش را بطور مشخص ارائه می‌دهد. این امر ارتباط نزدیکی ایجاد می‌کند میان تماشاگر تلویزیون و تولیدهای کانون در هر زمینه‌ای. تعداد فیلم‌هایی که از کانون در تلویزیون نشان داده شده است نشان می‌دهد که اتفاقاً این نوع فیلم‌ها در مقایسه با فیلم‌هایی که تلویزیون مرتب دارد تکرار می‌کند، دارای ویژگی‌هایی است که تماشاگر خود را در میان توده تماشاگران، اعم از خردسال و کودک و بزرگسال، جذب کرده است، برای نوع نگاهش به یک تفکر و اندیشه. با این حساب، بیننده فیلمی را می‌بیند که در سریال‌های معمولی نمی‌بیند. مثلاً «کوه جواهر» جزو فیلم‌هایی است که تماشاگر خردسال به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند، ویژگی‌ای که در سریال‌های فوتبالیست‌ها و بابالنگ‌دراز نیست.

شجاعی: بحث دیگر اتفاقی است که طی این چند سال در بخش تبلیغات افتاده است، خصوصاً با ابزارهای مثل کامپیوتر، و بحث دیگر می‌تواند در ارتباط با خصوصی‌سازی کارهای انیمیشن باشد. به طور مثال استودیو صبا به موسسات خصوصی سفارش می‌دهد و کارهایی در زمینه‌های متنوع ارائه می‌شود، از سریال‌سازی گرفته تا برنامه‌های تبلیغاتی. نظر شما درباره این قضایا چیست؟ یعنی نظرستان درباره استفاده از کامپیوتر در بخش





که جلوی آن را بگیرند. دیگر اینکه یک مرجعی پیدا بشود و یا تاسیس بشود و بگوید چه کسی و با چه قیمتی چه فیلمی را بسازد.

نیرومند: همان جیم سازان انیمیشن!

غریبانی: کاش همان جیم را می ساختند، بدی این است که پول را می گیرند و جیم می شوند!

نیرومند: اگر من یک جمع بندی کنم، باید بگویم آقای عابدی با بحث نیروی انسانی شروع کردند، ضعف نیروی انسانی در حوزه آموزش مطرح و پیشنهاداتی هم از سوی دوستان شد. به ضعف نگارش، کم بودن سوژه، عدم رونق کافی، عدم شناخت کافی از هنر انیمیشن توسط مراکز عمومی مثل تلویزیون و مشکلات دیگری که همه جا هست و دوستان هنرمند کانون نیز با آن رویرو هستند نیز اشاره شد. اگر صحبت دیگری نیست، از دوستانی که بیش از ۲ ساعت زحمت کشیدند و دربرپایی این میزگرد همکاری کردند و بخش کوچکی از مسائل انیمیشن را مطرح کردند، تشکر می کنم.

غریبانی: از باب اینکه «کیهان کاریکاتور» بطور جدی وارد بحث انیمیشن شده، یک رسالت به گردن این مجله هست، چون در رابطه با کاریکاتور نیست های داخلی و خارجی و کلیت نفس کاریکاتور است، به نظر من بیاید منشا خیر شوید و کاریکاتور نیست ها را به سوی انیمیشن ترغیب کنید تا شاید مقداری از ضعف تکنیکی ما در زمینه طراحی برطرف شود. یعنی در بخش نقاشی متحرک، یک کاریکاتور نیست خیلی راحت تر می تواند کار کند تا یک نقاش رئال. چون هم خطوط کاریکاتور نیست مناسب تر است و هم قریحه طنز وی بیشتر است. تنها کافی است کاریکاتور نیست حوصله و ذوق کافی داشته باشد تا وارد کار پرزحمت و سخت انیمیشن شود. شما خوب می توانید این گونه هنرمندان را با چراغی که در دست دارید، به سوی انیمیشن رهنمون شوید.

نیرومند: اگر این نسل را نسل سوم انیمیشن در ایران بدانیم، آنها هنرمندان کاریکاتور نیستی بودند که وارد حیطه انیمیشن شدند.

عابدی: من البته مدام مجله شما را دنبال نکرده ام، اگر چنین چیزی که من می خواهم پیشنهاد کنم نیست، لزومش حس می شود که به نسبت فضای مجله، صفحاتی را می توان به انیمیشن اختصاص داد. در این صفحات می توان به ترجمه مباحث تئوریک، اخبار روز فیلم ها به همراه نقد و بررسی آنها، اخبار فیلم هایی که در داخل ساخته می شود و مصاحبه با دست اندرکاران آن پرداخت. این نوع برخورد شما باعث ترغیب علاقه مندان می شود.

نیرومند: ما از ابتدای شکل گیری نشریه در این فکر بودیم و توسط آقای بیناخواهی که انیماتور بودند و هرجا هستند خداحفظشان کند، صفحاتی را به این امر اختصاص داده بودیم که با رفتن ایشان این کار متوقف شد. اما ما همچنان به صورت جسته گریخته به انیمیشن پرداخته ایم و در همین جا دست همکاریمان را به سوی شما دراز می کنیم، اگر مطلب تئوریک دارید یا تالیف و ترجمه ای در این زمینه، ما با کمال خوشحالی از آنها استفاده می کنیم و مطمئن هستیم کسانی هم که مخاطب این نشریه هستند، از آن بهره می برند.

نیرومند: در انتها از تک تک عزیزان شرکت کننده در این میزگرد تشکر می کنم. بحث مفیدی بود و امیدوارم برای خوانندگان مجله نیز مفید واقع شود.

دلیل عدم شناخت این قضیه سال ها فیلم هایی را نمایش داده اند که هیچ ارتباطی با کودکان ما نداشته است. اگر در سال های قبل، تولیدهای انیمیشن را جدی می گرفتند و موضوعات ملی - فرهنگی را در آنها ترویج می کردند، الان وضعیت مناسبتری برای جوانان ما متصور بود.

عابدی: من چندبار به مسئله گران بودن انیمیشن اشاره کردم. می خواهم بگویم که اگر سینمای انیمیشن رونق بگیرد، دیگر خبری از گرانی ساخت آن نخواهد بود و تولید آن ارزان می شود. معتمد آن مرکز حمایتی که در آغاز، لازم است دولتی باشد باید تاسیس شود. این مرکز می تواند با تخصیص بودجه ای که ممکن است در ابتدا ضرر هم بدهد، به عنوان سرمایه گذاری زیربنایی نیرو تربیت کند تا به جایی برسیم که رونق حاصل شود و به سوددهی برسد. باید البته برنامه ریزی باشد، نه اینکه تنها پولی بدون هدف خرج شود. بعد که سودآور شد، بخش خصوصی مایل به سرمایه گذاری در این رشته خواهد بود اگر شعاری را بخواهیم مطرح کنیم این است که باید انیمیشن را جدی گرفت. اگر حالا مثلا وزارت ارشاد آمد و گفت که ما می خواهیم یک بنیاد فارابی در بخش انیمیشن راه بیندازیم و نیاز به همکاری و همفکری و راهنمایی داریم، من فکر می کنم که تمام بچه های کانون در این زمینه با تمام توان فکری و فنی و اعتقادی کمک کنند.

نیرومند: خوب، حالا هر کدام از دوستان می خواهند بفرمایند که چرا از کامپیوتر به عنوان ابزار کار استفاده نمی شود؟

عابدی: فکر می کنم بهتر است سوال را به این صورت مطرح کنیم که چرا اصولاً کسانی که دستی در تهیه فیلم های انیمیشن سنتی دارند، رغبت کمتری به استفاده از کامپیوتر به عنوان ابزاری تسهیل کننده در کار دارند؟

غریبانی: فکر می کنم به خاطر این است که بچه های کانون دیدند که روش سنتی موفق بوده است. برای مثال، در جشنواره های داخلی و خارجی، حرف اول را در بخش فیلم های انیمیشن کانون زده است. البته من جسارت نمی کنم که نهادهای دیگر فعال نیستند، ولی اگر آمار بگیرید، حضور کانون در جشنواره ها عملاً حالت دیگری دارد و امتیازات بالایی را به خود اختصاص داده است. مسئولان می گویند ما تا به حال در این مراکز موفق شده و نتیجه گرفته ایم، حالا احساس خطر شده است که اگر ابزاری مثل کامپیوتر وارد این حیطه سنتی بشود، به آن خدشه وارد کند. شاید هنرمندی که سنتی کار کرده و سنی هم از او گذشته، وابسته شده است به همان روش و همانگونه کار می کند. به تازگی مقداری ارتباط میان انیمیشن سنتی و کامپیوتر برقرار شده است. فکر می کنم فیلم هایی که در حال حاضر در حال تهیه است، بی ارتباط با کمک گرفتن ابزار نباشد. مثلاً برای آزمایش حرکتی و آزمایش رنگ، یا از نظر لی آت صحنه ها از کامپیوتر بهره می بریم.

نیرومند: خوب، مدت زیادی است که مزاحم دوستان هستیم، اگر فکر می کنید که مبحث دیگری هست، بفرمایید.

علیمراد: اینکه صحبت از معضلات می شود، می خواهم بگویم که این اتفاق نیفتد. متأسفانه، تلویزیون کار انیمیشن را به مناقصه می گذارد. ما دیدیم کسانی که هیچ نوع سابقه و آموزشی در زمینه انیمیشن نداشتند، رفتند برای سریال ۱۰۰ قسمتی قرارداد بسته اند. چرا؟ برای اینکه ما قیمت هایمان پایین بود و این اتفاقی است که می افتد و بهتر است

